

## پیشگفتار

نقش توطئه‌گران، در ذهن توطئه‌اندیشان، برای تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و رخدادها شکل می‌گیرد. تئوری توطئه بیشتر متشکل از سه رکن اصلی، یعنی توطئه‌گران، توطئه‌باوران و مبانی تحلیل و مفروضات است.

(۱) توطئه‌گران به نیروها، کشورها، افراد، گروه‌ها و کانون‌های پنهان و آشکاری اطلاق می‌شود که نقش توطئه‌چینی و توطئه‌گری را در تئوری‌های توطئه برعهده دارند؛ اما مصادیق و شواهد عینی توطئه‌گران با توجه به تفاوت‌های جوامع و کشورها، متفاوت است؛ برای مثال، به نظر ریچارد هافستادر، نیروهای دست راستی آمریکا همواره گمان کرده‌اند که کشور آمریکا به کام یک توطئه بین‌المللی رانده می‌شود. از دید او، در شیوه پارانویدی سیاست آمریکایی در سده نوزدهم، توطئه‌گران و عاملان اصلی این توطئه‌ها فراماسون‌ها و کاتولیک‌ها دانسته می‌شدند که در نیمه سده بیستم، جای خود را به یهودی‌ها، کمونیست‌ها و مأموران داخلی آنها دادند<sup>۱</sup>، در صورتی که در تئوری‌های توطئه خاورمیانه، امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و فراماسونرها نقش آفرینان اصلی توطئه‌ها به‌شمار می‌آیند.

(۲) رکن دوم تئوری توطئه را توطئه‌باوران تشکیل می‌دهند. توطئه‌باوران به برخی افراد، اقوام، گروه‌ها و کانون‌ها گفته می‌شود که در تحلیل و تبیین حوادث و وقایع پیرامونشان و نیز در تفسیر و توضیح پدیده‌ها و رویدادها، بر عامل «توطئه» تأکید دارند و حوادث را ناشی از توطئه‌چینی و توطئه‌پردازی توطئه‌گران می‌پندارند.<sup>۲</sup> از دیدگاه‌های گوناگون مصادیق توطئه‌باوران در جوامع و کشورهای جهان متفاوت هستند، ولی این افراد و گروه‌ها بیشتر مورد اشاره و توجه هستند: بنیادگرایان مذهبی (اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان)، ناسیونالیست‌های افراطی، محافظه‌کاران راست‌گرا، چپ‌های افراطی، اقلیت‌های قومی و نژادی، سیاستمداران اهل توطئه‌گری سیاسی و کسانی که بنا به دلایلی، از تجزیه و تحلیل مسایل سیاسی و اجتماعی ناتوانند.

(۳) رکن سوم تئوری توطئه، «مبانی تحلیل و مفروضات تئوری توطئه» است. در استنتاج‌ها و چگونگی تبیین تئوری توطئه، شرایط و مراحل

معنی لغوی «توطئه» آماده کردن، با هم ساختن، زمینه‌سازی و مقدمه چیدن برای دستیابی به چیزی است. معادل انگلیسی واژه توطئه، «conspiracy» است. توطئه یعنی برنامه‌ریزی پنهانی و کارهایی که بر پایه روش‌های غیر قانونی و غیر اخلاقی و معمولاً غیر مسالمت‌آمیز، برای پیشبرد اهداف و مقاصد فردی یا گروهی یا ملی، به بهای لطمه زدن به منافع و حقوق دیگران در یک کشور یا در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup> توطئه به این معنا (به شکل عینی و واقعی) از آغاز خلقت بشر تا کنون در اشکال و ابعاد گوناگون وجود داشته و بعنوان ابزاری برای رسیدن به هدف، بویژه در حوزه سیاست به کار رفته است.

تئوری توطئه معادل اصطلاح «conspiracy theory» در زبان انگلیسی است که مترادف‌هایی نیز دارد، از جمله: شیوه پارانویدی<sup>۲</sup>، توطئه‌اندیشی یا توطئه‌باوری<sup>۳</sup>، ذهنیت توطئه‌اندیش<sup>۴</sup> و ذهنیت دست پنهان<sup>۵</sup>. از تئوری توطئه تعبیرها و تعریف‌های گوناگون شده است، ولی تعاریف ارائه شده در این باره، همانند دیگر تعاریف در حوزه علوم اجتماعی یکدست نبوده و مورد توافق همگان نیست، گذشته از این تا اندازه‌ای هم گیج‌کننده است.<sup>۶</sup>

تعریف ما از «تئوری توطئه»، چارچوب و پارادایمی است برای تجزیه و تحلیل رویدادها و پدیده‌های زندگی بشری که بر اساس آن، تنها عامل مؤثر و رقم‌زننده سرنوشت این گونه رویدادها و پدیده‌ها، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... همانا دست‌های پنهان، اقدامات و نقشه‌های پلید و غالباً مخفیانه توطئه‌گران (اعم از قدرت‌ها و کشورهای بزرگ، برخی افراد و گروه‌ها، انجمن‌های پنهان و کانون‌های توطئه‌گر) است که برای رسیدن به اهداف شوم خود در تلاش و تکاپو هستند.

با توجه به این تعریف‌ها، باید میان توطئه و تئوری توطئه تفاوت قایل شد زیرا، توطئه یک عمل عینی و واقعی و نیز ابزاری در خدمت سوءاستفاده توطئه‌گران است، اما تئوری توطئه آن روش تبیینی و ذهنی است که بر مبنای پنداری (غالباً بی‌پایه) از

## نقش نیروهای بیگانه در پاکبیری و گسترش تئوری توطئه در ایران، از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

بخش نخست

دکتر زاهد غفاری هاشم‌چین

متداول در روش‌شناسی و، روش شناخت علمی، رعایت نمی‌شود<sup>۱۰</sup> و اساساً، شیوه استدلال فرد دچار توهم و توطئه‌باور با شیوه استدلال فرد معقول متفاوت است. برای مثال، توطئه‌باوران در تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر توطئه‌باوری، بر پایه مفروضات خاص به تبیین مسائل می‌پردازند؛ از جمله بر اساس این فرض‌ها و باورها که توطئه عامل محرک تاریخ است؛ هدف، به دست آوردن قدرت است؛ سود بردن نشانه دست داشتن است؛ هیچ چیز تصادفی اتفاق نمی‌افتد؛ و اینکه ظاهر امور فریبده است.<sup>۱۱</sup>

تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی کشورها و ملت‌ها کم‌وبیش وجود دارد و شواهد مبین آن را در بسیاری کشورها می‌توان یافت. هر چند به سادگی نمی‌توان تئوری‌های توطئه را به گونه کمی و قابل سنجش مورد بررسی قرار داد، ولی به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، تئوری توطئه در خاورمیانه بیش از دیگر مناطق جهان و در ایران بیش از کشورهای دیگر خاورمیانه مطرح است.<sup>۱۲</sup> از این رو، برخی ادعای می‌کنند که ایران «توطئه‌باورترین کشور جهان»<sup>۱۳</sup> است.

توطئه‌باوری در فرهنگ سیاسی معاصر ایران ابعاد و دامنه گسترده دارد؛ از این رو، از مسائل جزئی تا مشکلات و مسائل مهم کشور و نیز طیف‌ها، افراد و گروه‌های گوناگون جامعه را دربرمی‌گیرد. با نگاهی به بحث‌ها، مجادله‌ها و نوشته‌های سیاسی فارسی در دوران معاصر، صرف نظر از اینکه با کدام دیدگاه مطرح شده باشد، به برخی واژه‌ها و اصطلاحات برمی‌خوریم که پیوسته تکرار می‌شوند: «توطئه»، «عملیات خارجی»، «جاسوس»، «خطر بیگانگان»، «دشمن»، «خائن»، «سرسپرده»، «وابسته»، «اسرار»، «مهره»، «نقشه»، «عروسک»، «آلت دست»، «پشت پرده»، «پشت صحنه»، «نوکران استعمار یا امپریالیسم»، «ستون پنجم»، «عوامل نفوذی»، «رویه مکار»، «دست پنهان»، «مزدور بیگانه». این واژه‌ها و مانند آنها در واقع بخشی از تصویر بزرگتری هستند که در گفتار سیاسی و ادبیات سیاسی معاصر ایرانی جلوه می‌کند و نیز این کلمات و تعابیر را طیف‌ها و گروه‌های سیاسی گوناگون (سلطنت‌طلبان،

چپ‌گراها، ملی‌گراها و دیگران) به کار می‌برند؛ البته، شخصیت‌ها و بازیگران توطئه‌گر که در این گونه گفتارها و نوشته‌های سیاسی از آنها نام می‌برند، با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها و گرایش‌های فکری نویسندگان و گویندگان، متفاوت هستند. مثلاً از دیدگاه سلطنت‌طلبان، قدرت‌های خارجی (به‌ویژه بریتانیا و روسیه) همواره توطئه‌چیده‌اند تا سلطنت و بویژه سلطنت محمد رضا شاه را نابود کنند. از نظر چپ‌گراها، استعمار و امپریالیسم و نوکران آنها بر ضد کارگران و دهقانان توطئه می‌چینند و نقشه می‌کشند و از نظر ملی‌گراها نیز خائنان به ملت و نوکران بیگانه و استعمار در پشت پرده سرگرم دسیسه‌چینی بر ضد منافع و مصالح ملی‌اند. این گونه گفتارها و تحلیل‌های سیاسی بر این نکته تأکید دارد که تحولات، رویدادها و سیاست‌های داخلی و خارجی ایران تحت تأثیر دست‌های پنهان توطئه‌گران و قدرت‌های بزرگ است.

در بررسی این مؤلفه فرهنگ سیاسی معاصر ایرانیان، تحلیل‌ها و اظهار نظرهای گوناگون و بسیاری از سوی صاحب‌نظران ایرانی و خارجی ارائه شده و هر یک از آنان علل و عواملی را برای توضیح گسترش و رواج تئوری توطئه بیان کرده است. به نظر ابراهامیان، تئوری توطئه یا «شیوه تفکر پارانوایی»، نشانه نابسامانی روانی نیست، بلکه حاصل دو عامل عمده است: (۱) عامل تاریخی، یعنی مداخله قدرت‌های بزرگ از اوایل سده نوزدهم به بعد؛ (۲) عامل جامعه‌شناسی که مربوط به استبداد طبقاتی حاکم در جامعه ایران است.

از دید او، این عوامل سبب شده است که مردم در برهه‌های حساس تاریخی، رخدادها و کوچک و بزرگ را ناشی از مداخله بیگانگان بدانند، بازیگران سیاسی را با بی‌اعتمادی بنگرند و آنان را مأمور قدرت‌های بزرگ به‌شمار آورند و نیز خود را فاقد هر گونه قدرت و نفوذ در صحنه سیاست ببینند. از سوی دیگر، فاصله عمیق و قدیمی میان دولت و جامعه، به نوبه خود، باعث تشدید توطئه‌باوری در بین مردم شده است.<sup>۱۴</sup>

احمد اشرف، در کنار عوامل گوناگونی که پذیرفتن تئوری توطئه را برآیند آنها می‌داند، به

● باید میان توطئه و تئوری توطئه تفاوت قائل شد؛ زیرا، توطئه يك عمل عینی و واقعی است و نیز ابزاری در خدمت سوءاستفاده توطئه‌گران؛ اما تئوری توطئه روشی تبیینی و ذهنی است که بر مبنای پنداری (غالباً بی پایه) از نقش توطئه‌گران، در ذهن توطئه‌اندیشان، برای تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و رخدادها شکل می‌گیرد.

توطئه‌های واقعی قدرت بزرگ در شرایط نیمه استعماری برای گسترش و ترویج توطئه‌باوری اشاره می‌کند.<sup>۱۲</sup>

کسان دیگر، از جمله مهدی بازرگان<sup>۱۵</sup>، ماروین زونیس<sup>۱۶</sup>، گراهام فولر<sup>۱۷</sup> و دانیل پاییز<sup>۱۸</sup> نیز به عامل «دخالت قدرت‌های خارجی» در ترویج تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی معاصر ایران اشاره دارند.

مانیز در این مقاله در پاسخ به این پرسش که مهمترین علت گسترش و رواج تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی معاصر ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی چه بوده است، در پی آزمودن این فرضیه هستیم که توطئه‌ها و دخالت‌های قدرت‌های خارجی در ایران و رقابت آنان با یکدیگر، مهمترین علت گسترش و رواج تئوری توطئه بوده است. برای یافتن پاسخ این پرسش و ارزیابی این فرضیه، روش تحلیل و تفسیر متون تاریخی به کار رفته و داده‌های این مقاله با مراجعه به منابع اولیه و ثانویه به دست آمده است.

در این مقاله، موضوع مورد بحث در سه بخش مورد بررسی قرار گرفته است. نخست، به پیشینه دخالت و رقابت قدرت‌های بزرگ در ایران تا دوران مشروطیت اشاره شده و آنگاه نقش قدرت‌های بزرگ در تحولات و مسائلی ایران از دوران مشروطیت تا آغاز دوره پهلوی و تأثیر آن در تکوین و گسترش تئوری توطئه مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم هم نقش قدرت‌های بزرگ در وقایع و توطئه‌های دوران پهلوی و تأثیر آن در شکل‌گیری و رواج تئوری توطئه، با اشاره به برخی شواهد و رویدادها مطرح شده است.

### بخش نخست:

## دخالت و رقابت قدرت‌های بزرگ در ایران تا دوران مشروطیت

تاریخ سده‌های گذشته این باور را در مردم ایران ایجاد کرده است که دولت‌های خارجی از ایران برای رسیدن به منافع و مقاصد خود استفاده کرده‌اند و مداخله آنها در امور کشور همواره به بهای از دست رفتن منافع جمعی مردم ایران تمام شده و از سوی دیگر بدگمانی و سوءظن به آنها را در اذهان

ایرانی تقویت کرده است. مداخله و رقابت تقریباً پیوسته قدرت‌های خارجی در امور ایران از سال ۱۱۷۷ هجری شمسی (۱۷۹۸ میلادی) آغاز شد؛ یعنی از زمانی که ناپلئون هیأتی را به ایران اعزام کرد. از آن تاریخ به بعد، ایران میدان برخورد سیاست‌های قدرت‌های بزرگ و صحنه‌ای شد که نخست اروپایی‌ها و سپس آمریکایی‌ها در آن به رقابت پرداختند و سودای اعمال سلطه بر این کشور را در سر پروراندند.

یک هیأت فرانسوی در پی گفتگو با فتح‌علی‌شاه، توانست با دادن وعده کمک مالی، موافقت او را جلب کند. به دنبال این ماجرا در سال ۱۱۸۶ ه.ش (۱۸۰۷ م) پیمان فینکشتاین<sup>۱۹</sup> میان ایران و فرانسه بسته شد که براساس آن، هر یک از طرفین تعهداتی پذیرفت.<sup>۲۰</sup> پس از امضای این پیمان، به دستور ناپلئون، یک افسر فرانسوی به نام ژنرال گاردان، با عده‌ای از مستشاران نظامی برای تعلیم سپاه ایران و آموختن شیوه ساخت توپ در اصفهان و نقشه‌برداری از راه‌ها به ایران آمد، اما در شرایطی که دربار ایران چشم‌امید به ناپلئون دوخته بود، ارتش روسیه از ناپلئون شکست خورد و روسیه در سال ۱۸۰۷ میلادی، به امضای عهدنامه تیلسیت<sup>۲۱</sup> با فرانسه تن درداد؛ از این رو، ناپلئون عهدنامه فینکشتاین را زیر پا نهاد و با پیمان‌شکنی، ایران را در جنگ پروسیه تنها گذاشت. در نتیجه، ارتش تزار که پس از انعقاد قرارداد صلح با فرانسه از جبهه اروپا آزاد شده بود، به جبهه قفقاز گسیل شد تا جنگ با ایران و عثمانی را با شدت بیشتر ادامه دهد.<sup>۲۲</sup>

به این ترتیب، در نیمه اول سده نوزدهم، ایران سه جنگ مصیبت‌بار را با ناکامی بسیار پشت سر گذاشت. روس‌ها که به سلاح‌های جدیدی مجهز بودند نیروهای ایران را به آسانی شکست دادند و معاهده‌های گلستان (۱۱۹۲ ه.ش و ۱۸۱۳ میلادی) و ترکمن‌چای (۱۲۰۹ ه.ش و ۱۸۲۸ میلادی) را به فتح‌علی‌شاه تحمیل کردند. انگلستان نیز که نمی‌خواست از روس‌ها عقب بماند و در صدد بود از افغانستان بعنوان منطقه‌ای حایل در برابر تزارها و پادشاهان قاجار استفاده کند، نواحی جنوبی ایران را اشغال کرد و قرارداد پاریس (۱۸۵۷ م) را به شاه قبولاند. از بین این عهدنامه‌ها،

● به گفته برخی صاحب‌نظران، تئوری توطئه در خاورمیانه پیش از دیگر مناطق جهان و در ایران پیش از دیگر کشورهای خاورمیانه مطرح است؛ از این رو، برخی بر این باورند که ایران توطئه‌باورترین کشور جهان است.

عهدنامه ترکمن جای زینبارترین قراردادی بود که بر ایران تحمیل شد و حتی می توان گفت که با استقرار رژیم کاپیتولاسیون ناشی از آن، مبنای قانونی و منطقی برای مداخله قدرت های بزرگ در امور ایران پدید آمد. به همراه آن، وجود استبداد سیاسی در کشور باعث پیدایش رسم ناپسند سرسپردگی و تحت الحمایگی در میان رجال ایرانی شد و این نیز به نوبه خود بریدگمانی ایرانیان به قدرت های خارجی افزود و ذهنیت معطوف به توطئه آنان را سخت تقویت کرد.

پیمان ترکمن جای در بردارنده چنان تعهدات مالی سنگینی بود که ایران ناگزیر شد برای نخستین بار وام خارجی دریافت کند تا به روسیه غرامت بپردازد. بر اساس رژیم کاپیتولاسیون مقرر شد اتباع روسیه که در ایران متهم به ارتکاب جرم هستند، در دادگاه های روسیه محاکمه شوند و به این ترتیب، اتباع روسیه در ایران یکسره بیرون از حوزه حاکمیت حکومت ایران قرار گرفتند. بر اساس ماده ۸ عهدنامه ترکمن جای استقلال قضایی ایران هنگام رسیدگی به جرایم اتباع روسیه از میان رفت و اختیار اجرای کیفرهای تعیین شده به مقامات روسی واگذار شد. بدین سان، اگر يك تبهکار روس یا يك تروریست قفقازی یکی از رجال ایران را در روز روشن می کشت و سپس در دادگاه شرع ایران محکوم به اعدام می شد، دولت ایران حق اجرای کیفر قانونی او را نداشت، بلکه جنایتکار محکوم شده می بایست به مقامات روسی در تهران تحویل داده می شد تا او را به روسیه بفرستند و حکم در خاک روسیه به اجرا درآید و بدیهی بود که هرگز آن حکم اجرا نمی شد.<sup>۲۳</sup>

برای نمونه، می توان به جریان قتل مرتضی قلی خسان هدایت (صنیع الدوله) وزیر دارایی مستوفی الممالک در چهار راه مخبر الدوله اشاره کرد که دو نفر گرجی از اتباع روسیه او را به تحریک سفارت روسیه کشتند. روس ها، قاتل را پس از آنکه محکوم شد، از دولت ایران تحویل گرفتند و به روسیه بردند و در آنجا آژادش کردند.<sup>۲۴</sup> هنگامی که روسیه این امتیاز را به دست آورد، دیگر دولتهای اروپایی نیز خواستار امتیازات مشابه شدند. انگلیسی ها در زمان سلطنت محمدشاه قاجار، پس از پایان یافتن اختلافی که بر سر بازداشت یکی از

چاپارهای سفارت پیش آمده بود، عملاً مشمول مزایای کاپیتولاسیون شدند و آن را بعداً بطور رسمی در ماده ۱۲ عهدنامه پاریس گنجانند. به این ترتیب ملاحظه می شود که عهدنامه ترکمن جای شالوده منطقی لازم را برای مداخله قدرت های بزرگ در امور ایران فراهم ساخت که پیامدهای سنگینش دامنگیر ایرانیان شد.

در پی واگذاری این امتیازات بود که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، مداخلات و رقابت های دو کشور بزرگ روسیه و انگلیس در ایران بیش از پیش افزایش یافت و آنها از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی برای گسترش نفوذشان اقدام به گرفتن امتیازات اقتصادی در سطح گسترده کردند.

انگلستان در سال ۱۸۶۳ امتیاز کشیدن سیم تلگراف خانقین - تهران - بوشهر را به دست آورد؛ در سال ۱۸۷۵ امتیاز کشیدن خط تلگراف از انگلیس به هندوستان از خاک ایران را گرفت و در سال ۱۸۷۲ امتیاز معروف رویترا را به دست آورد، اما این امتیاز با مخالفت های شدید داخلی و خارجی به اجرا در نیامد و لغو شد. پس از آن، در سال ۱۸۹۰ ناصرالدین شاه امتیاز خرید و فروش انحصاری توتون و تنباکو را که «امتیاز رژی» نامیده شد، به مازور تالبوت یکی از اتباع انگلستان داد.<sup>۲۵</sup> که این امتیاز هم با مخالفت های سخت داخلی به رهبری میرزای شیرازی لغو شد؛ اما دربار ایران به کمپانی رژی ۵۰۰ هزار لیره غرامت پرداخت. البته، برای پرداختن این مبلغ ناگزیر شد که از بانک شاهنشاهی وام بگیرد؛ وامی که بهره آن ۶ درصد بود.<sup>۲۶</sup>

در این دوره روس ها نیز از گرفتاری و ضعف شاه و دولت ایران نهایت استفاده را کردند و به نوبه خود امتیازات بسیار به دست آوردند. تشکیل بریگاد قزاق ایران، به فرماندهی افسران روس در سال ۱۸۷۹ در واقع موفقیت بزرگ روس ها برای اعمال نفوذ در ایران بود.<sup>۲۷</sup>

روسیه همچنین در رقابت با انگلیسی ها در سال ۱۸۹۵ توانست امتیاز تأسیس يك بانک را در ایران به دست آورد. این بانک را که به بانک استقراضی روس معروف شد، دو نفر از اتباع روسیه تأسیس کردند.<sup>۲۸</sup> پیش از آن نیز يك سرمایه دار روسی دیگر امتیاز صید ماهی در سواحل دریای خزر را

### ● تاریخ سده های گذشته

این باور را در ایرانیان پدید آورده است که دولتهای خارجی از ایران برای رسیدن به منافع و مقاصد خود استفاده کرده اند و مداخله آنها در امور کشور همواره به بهای از دست رفتن منافع جمعی مردم ایران تمام شده و نیز بدگمانی و سوءظن به آنها را در اذهان ایرانی تقویت کرده است.

به دست آورده بود.

در سال ۱۸۸۹ روس‌ها حق ویژه تدارک و مطالعه طرح‌های احداث خطوط راه آهن ایران را به مدت ۵ سال از ناصرالدین شاه گرفتند. نتیجه مطالعات و بررسی‌های سرمایه‌داران روسی آن بود که امتیاز احداث خط آهن سراسری ایران از رشت تا سواحل جنوبی ایران به روسیه واگذار شد، اما این کار با مخالفت شدید انگلستان روبه‌رو شد و به انجام نرسید. مظفرالدین شاه در سال ۱۹۰۰ با دریافت وامی به مبلغ ۲۲/۵ میلیون روبل از روسیه، همه درآمدهای گمرکی کشور (به استثنای گمرکات منطقه فارس و بندر خلیج فارس) را در گرو ضمانت بازپرداخت آن وام نهاد.

او در سال ۱۹۰۱ باز با دریافت ۱۰ میلیون روبل وام، با واگذاری امتیاز ساختن راه شوسه جلفا-قزوین و تغییر تعرفه گمرکی به سود روسیه موافقت کرد که در پی آن، روسیه بر امور گمرکی کشور مسلط شد و از این ناحیه نیز آسیبهای سنگینی بر اقتصاد کشور وارد آمد. به دنبال اعطای این امتیاز، دولت انگلیس هم به فکر بستن قرارداد گمرکی خفت بار دیگری با دولت ایران افتاد و چون روس‌ها در این زمینه جلو تر از خود دید، کوشید سیاست موازنه امتیازات دو قدرت را اعمال کند.

سرآرتور هاردینگ، وزیر مختار انگلیس در تهران، درخواست اعطای امتیاز استخراج نفت را به نام ویلیام تاکس داریسی را از دولت ایران مطرح کرد و انگلیسی‌ها با نیرنگ بازی و دسیسه‌چینی، روس‌ها را فریب دادند و امتیاز نفت داریسی را در سال ۱۹۰۱ گرفتند. چگونگی گرفتن این امتیاز و ترفندی که انگلیسی‌ها برای فریفتن روسها به کار بردند، از مصادیق بارز و عینی توطئه‌چینی و توطئه‌گری انگلیسی‌هاست و این گونه موارد به نوبه خود زمینه‌ساز بدگمانی بیشتر نسبت به انگلیسی‌ها (دستکم در میان آگاهان از اعطای چنین امتیازی) بوده است. پس از این که وزیر مختار انگلیس زمینه‌سازی لازم را انجام داد و صدراعظم وقت را تطمیع کرد، تنها مانع کار در راه گرفتن امتیاز، مخالفت روس‌ها بود. از این رو، برای جلوگیری از اشکالاتی که ممکن بود روس‌ها در آینده ایجاد کنند، قبلاً نامه‌ای به امضای وزیر مختار انگلیس، اما به زبان فارسی نوشتند و آن را به دفتر صدراعظم

فرستادند؛ نامه‌ای که در آن رئوس امتیاز مورد نظر تشریح شده بود. صدراعظم هم می‌دانست که وزیر مختار وقت روس نمی‌تواند نامه‌های فارسی را بخواند، بویژه اگر با خط شکسته نوشته شده باشد؛ همچنین، جاسوسانش به او اطلاع داده بودند که دبیر شرقی سفارت روس، یعنی تنها کسی که در آن سفارت می‌توانست خط فارسی را بخواند، در سفر است؛ از این رو، صدراعظم نامه درخواست امتیاز انگلستان را با نامه خود به سفارت روسیه فرستاد زیرا، می‌دانست که این نامه به مدت یک هفته روی میز سفیر روسیه می‌ماند تا دبیر شرقی سفارت از سفر برگردد و مضمون نامه را به آگاهی مافوقش برساند. در این میان، همه اعضای حکومت ایران سکوت و وزیر مختار روسیه را نشانه رضایت او تلقی کردند و سرانجام امتیاز نفت به داریسی داده شد! روس‌ها نیز با توجه به این وضع، ناچار به پذیرش آن امتیاز شدند؛ امتیازی که پس از آن زمینه‌ساز تأسیس شرکت مهم نفت ایران و انگلیس شد.<sup>۲۹</sup>

با توجه به دخالت‌ها و رقابت‌های روس و انگلیس در صحنه سیاسی ایران، تلاش آنها برای گرفتن امتیازهای خانمانسوز و تحمیل رژیم کاپیتولاسیون به ایران، در می‌یابیم که با این پیشینه، ایرانیان به نقش بیگانگان در فرهنگ و سیاست خود سخت بدگمان شده‌اند و سرسپردگی برخی دولتمردان و رجال سیاسی ایران در گذشته و وابستگی آنان به سفارت روس و سفارت انگلیس و احساس ناامنی سیاسی سبب پیدایش و گسترش انواع تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی ایرانیان شده و این مسئله با توطئه‌چینی‌ها و توطئه‌گری‌های بعدی روس‌ها و انگلیسی‌ها در امور ایران ریشه‌های عمیق تر یافته است.

## بخش دوم: نفوذ قدرت‌های بزرگ در

## ایران از دوران انقلاب مشروطه تا آغاز

## دوره پهلوی و تأثیر آن در تکوین

## و رواج «تئوری توطئه»

از زمان انقلاب مشروطه تاکنون در میان نویسندگان تاریخ جدید و پژوهشگران در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی و نیز روشنفکران، در مورد منشأ و ماهیت انقلاب مشروطه اختلاف نظر

● پس از پیروزی انقلاب مشروطه، انگلیسی‌ها با توطئه‌ها و نقشه‌های گوناگون، از جمله انعقاد قرارداد ۱۹۰۷، ایرانیان را در رسیدن به اهداف مشروطه خواهانه ناکام گذاشتند و بدگمانی شدید آنها را نسبت به خود برانگیختند. ادوار دبر اون در این باره می‌نویسد: ایرانی قادر است بنیاد زندگی خود را در مسیر مشروطه‌پی بریزد، ولی من تصور نمی‌کنم هیچ پژوهشگر با انصاف تاریخ ایران بر این باور باشد که بیگانگان هر گز به مشروطه ایران فرصت پیشرفت و موفقیت داده‌اند.

وجود داشته است. گروهی آن را يك نهضت اصیل و مستقل دانسته و دخالت و سوءاستفاده بریتانیا را مایه انحراف و شکست نهضت شناخته‌اند. گروهی نیز معتقدند که مشروطه سوغات و دستبخت انگلستان بوده است. هر يك از این دو گروه برای اثبات نظر خود، شواهد و مدارکی ارائه می‌کند. استدلال گروه اول برای اثبات اصالت و مردمی بودن انقلاب مشروطه این است که مردم مظلوم، ستم‌دیده و کسانی که از حکومت مطلقه و استبدادی به ستوه آمده بودند، متوسل به انقلاب شده‌اند و بسیاری از علمای دینی و مراجع تقلید نیز از آن حمایت کرده‌اند. باور گروه دوم این است که نهضت مشروطه با پشتیبانی مردم آغاز شده و نیز علمای اسلام لزوم محدود شدن قدرت شاه و دربار و تأسیس دولت مشروطه را تأیید کرده‌اند، ولی آنچه در عمل با دخالت انگلیسی‌ها رخ داد، مورد نظر مردم نبوده و برخی مشروطه‌خواهان بعنوان عامل انگلیس عمل کرده‌اند.

هدف ما در اینجا بررسی و مطالعه دقیق علل و عوامل رویدادها و جریان مشروطه و ارزیابی درستی و نادرستی این مطالب نیست، بلکه منظور نشان دادن دخالت انگلیسی‌ها در این رویداد و تأثیر آن در افزایش توطئه‌باوری ایرانیان است. آنچه از مواضع و اظهارات دو گروه استنباط می‌شود، این است که هر دو گروه در این باره که انگلیس دخالت مؤثر و حتی آشکار در نهضت مشروطه داشته است، تردیدی ندارند؛ اما نتیجه‌ای که مورخان از مطالعه اسناد و مدارک مربوط به دخالت انگلیس می‌گیرند، متفاوت است.

پیشینه دخالت انگلیسی‌ها در ایران پیش از مشروطیت هم نشان می‌دهد که آنان برای رسیدن به منافع و تحکیم موقعیت‌شان در ایران، از هیچ ترفند و حیله‌ای فروگذار نکرده‌اند. از این رو، با توجه به سابقه مداخلات و توطئه‌های انگلیس و حوادثی که بر اثر آنها در تاریخ معاصر رخ داده است، توطئه‌باوران، انقلاب مشروطیت را یکسره ناشی از دسیسه و توطئه انگلیس دانسته‌اند. خواجه‌نوری در مورد منشأ پیدایش تئوری توطئه، آنهم از نوع انگلیسی‌اش، می‌نویسد این ذهنیت زمانی پیدا شد که پدر مشروطه دنیا، یعنی انگلیس،

در تکوین و تولید مشروطه به ایران کمک کرد.<sup>۳۰</sup> ملك الشعراى بهار با اشاره به حمایت محرمانه سیاست انگلیس از مشروطه می‌نویسد: «در آن روزها مناسبات دولت بریتانیا با زعمای مردم تهران و آزادیخواهان ولایات و ایرانیان خارج از مملکت بسیار دوستانه بود و جرأید با مشروطه‌خواهان همراهی زیادی داشتند.»<sup>۳۱</sup>

ابراهیم صفایی از جمله علل و عوامل پیروزی انقلاب مشروطه را مداخله آشکار دولت انگلیس برای کمک به استقرار مشروطه، کاستن قدرت پادشاهان قاجار و جلوگیری از نفوذ روزافزون روس‌ها در ایران می‌داند.<sup>۳۲</sup> احسان نراقی نیز با تأکید بر مردمی بودن مشروطه و شکل‌گیری زمینه‌های آن از زمان جنبش تنباکو، به نقش عاملان سیاست انگلیس در مراحل بعدی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «بعضی گفته‌اند که واژه مشروطیت اولین بار در تلگرافی از لندن برای سفیر انگلیس به کار برده شده است که متن آن در باغ سفارت انگلیس برای مردم خوانده شد.»<sup>۳۳</sup>

یکی از مسائلی که در جریان مشروطه خواهی رخ داد و توطئه‌باوری ایرانیان و بدگمانی آنان به انگلیسی‌ها را تقویت و تشدید کرد، بست نشینی و تحصن چند هزار نفری مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس برای مصون ماندن از استبداد حاکم بود. البته، در اینکه چه کسی این تصمیم را گرفته و چه کسانی یا او همراه بوده‌اند، مورخان اختلاف نظر دارند.<sup>۳۴</sup> ولی گسترده‌گی نفوذ انگلیسی‌ها در میان تحصن‌کنندگان ایرانی در سفارت انگلیس در تهران و نیز در کنسولگری‌های آنها در شهرستان‌ها، مسئله‌ای شایان توجه است؛ به گونه‌ای که ویلیام گرانت داف<sup>۳۵</sup> کاردار سفارت انگلیس در تهران بین مشروطه‌خواهان و دربار نقش واسطه و میانجی را بازی می‌کرد. هدف اصلی مردم از مشروطه‌خواهی‌هایی از چنگ استبداد بود، ولی برخی بر این نظرند که انگلیسی‌ها این جریان را در مجرای دیگری انداختند و آن را از «عدالتخانه‌خواهی» به «مشروطه‌خواهی» کشاندند و نیز پس از آن کوشیدند روس‌ها را کنار بزنند و جایگاه خود را بعنوان قدرت اول حاکم بر صحنه سیاسی ایران تثبیت کنند.<sup>۳۶</sup>

● در ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۷  
سفرای روسیه و انگلیس  
رسماً دولت ایران را از انعقاد  
قرارداد تقسیم ایران آگاه  
ساختند و به رغم مخالفت‌های  
مردمی و اعتراض نمایندگان  
مجلس و دربار و روزنامه‌ها  
به این قرارداد، دولتهای  
روسیه و انگلستان با توافق و  
هماهنگی کامل، شمال و  
جنوب ایران را به اشغال خود  
درآوردند و آن مخالفت‌ها را  
نادیده گرفتند.

## از قرارداد ۱۹۰۷ تا قرارداد ۱۹۱۵ روس و انگلیس

پس از پیروزی انقلاب مشروطه، انگلیسی‌ها با توطئه‌ها و نقشه‌های گوناگون، از جمله بستن قرارداد ۱۹۰۷ ایرانیان را در رسیدن به اهداف مشروطه‌خواهانه ناکام گذاشتند و بدینی شدیدی آنان را نسبت به خود برانگیختند. ادوارد براون در این باره می‌نویسد: «ایرانی قادر است که بنیاد زندگی خود را در مسیر مشروطه‌پی بریزد... ولی من تصور نمی‌کنم که هیچ پژوهشگر با انصاف تاریخ ایران بر این باور باشد که بیگانگان هرگز به مشروطه ایران فرصت پیشرفت و موفقیت داده‌اند.»<sup>۲۷</sup>

اعتقاد به توطئه‌گری قدرت‌های استعماری در ایران و در دوران حکومت قاجار به‌طور مشخص از سال ۱۹۰۷ آغاز شد؛ سالی که ایران بر اساس قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس، در واقع به‌صورت نیمه‌مستعمره درآمد و تا دو دهه عرصهٔ تاخت‌وتاز نیروهای بیگانه و رقابت آنها شد. در بررسی زمینه و محتوای قرارداد ۱۹۰۷ و پیامدهای آن می‌توان گفت:

تا اواخر سدهٔ نوزدهم، روس‌ها که سودای تصرف کامل ایران و رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس را در سر داشتند، به هیچ قیمت حاضر نبودند انگلستان یا هر دولت اروپایی دیگر را در تملک‌نهایی ایران سهم سازند و در این راستا به حیل‌های گوناگون متوسل می‌شدند، ولی روس‌ها در رسیدن به این هدف ناکام ماندند؛ زیرا، از اوایل سدهٔ بیستم به بعد، افزایش قدرت نظامی و صنعتی آلمان از یک سو و ضعف نسبی روس‌ها در آسیا و خاور دور به سبب شکست تاریخی آنها از ژاپن در سال ۱۹۰۴ از سوی دیگر، باعث شد که روسیه و انگلستان، بعنوان دو نیروی رقیب، سرانجام با هم کنار آیند<sup>۲۸</sup> و با میانجیگری فرانسه، سه قرارداد با یکدیگر امضاء کنند. به موجب قرارداد اول، افغانستان در منطقهٔ نفوذ انگلستان قرار گرفت و طبق قرارداد دوم، تبت نیز از مناطق تحت نفوذ انگلستان شناخته شد؛ اما بر پایهٔ قرارداد سوم ایران به سه بخش تقسیم شد: بخش شمالی، از خط فرضی بین قصر شیرین، اصفهان، یزد، خواف و مرز افغانستان، منطقهٔ نفوذ روسیه شناخته شد؛

بخش جنوبی، از خط فرضی بین بندر عباس، کرمان، بیرجند، زابل و سرحد افغانستان که برای دفاع از هند ارزش استراتژیک داشت، منطقهٔ نفوذ انگلستان به‌شمار آمد و بخش سوم که دربرگیرندهٔ کویر و بیابان‌های بی‌آب و علف بود و بی‌اهمیت دانسته می‌شد، منطقه‌ی طرف متعلق به دولت ایران شناخته شد؛ آنها برای آنکه دو دولت تا اندازه‌ای از هم فاصله بگیرند و از برخوردهای احتمالی و اختلافاتشان در این منطقه جلوگیری شود.<sup>۲۹</sup> در ارزیابی این قرارداد، برخی مورخان مانند محمد ترکمان بر این باورند که ترور میرزا علی اصغر خان اتابک که در روز انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ رخ داد، ناشی از توطئه انگلیسی‌ها برای ایجاد اغتشاش در دولت و کشور و انحراف اذهان عمومی از این فاجعهٔ ملی مربوط به حاکمیت و استقلال کشور به سوی قتل یک رئیس‌الوزراء بوده است.<sup>۳۰</sup>

در ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۷ سفرای روسیه و انگلیس رسماً دولت ایران را از قرارداد تقسیم ایران آگاه ساختند و به‌رغم مخالفت‌های مردمی و اعتراض نمایندگان مجلس و دربار و روزنامه‌ها به این قرارداد، دولت‌های روسیه و انگلستان با توافق و هماهنگی کامل، شمال و جنوب ایران را به اشغال خود درآوردند و این مخالفت‌ها را نادیده گرفتند.<sup>۳۱</sup> در این دوره که تماس‌های خارج از مجرای صحیح دیپلماسی میان محمدعلی شاه و روسیه آشکار شده بود، جراید تهران از این امر به شدت انتقاد کردند؛ به گونه‌ای که یکی از این جراید نوشت: «نباید بی‌محابا و در پنهانی با نابودکنندگان این سلطنت و نمایندگان دول بیگانه به مشورت پرداخت، زیرا دزد بازار آشفته می‌خواهد و بیگانه در بند پیشرفت سود خویش است. ایشان باید دریابند که میان اتباع این دولت و رعایای سایر دول فرقی نیست. باید ذلت اینها هم به عزت تبدیل گردد.»<sup>۳۲</sup>

در بارهٔ اینکه با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ کدام یک از دو کشور روسیه یا انگلستان بیشترین سود را برده، ارزیابی‌های متفاوت شده است. برخی از نویسندگان و تحلیلگران می‌گویند که انگلیس زیان‌دیده و روسیه سود برده است.<sup>۳۳</sup> برخی دیگر بر این باورند تحلیلگرانی که پنداشته‌اند با عقد

● پس از بسته شدن قرارداد ۱۹۰۷، روسیه و انگلستان به گونه‌ای بی‌سابقه و گسترده در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند که این دخالت‌ها و تقسیم کردن‌ها، بدینی و بی‌اعتمادی ایرانیان را به این کشورها، بویژه نسبت به انگلستان، سخت افزایش داد.

قرارداد ۱۹۰۷ روسیه بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و انگلستان در این معامله زیان دیده است، بیشتر تحت تأثیر تبلیغات و جنگ زرگری انگلیسی‌ها بوده‌اند؛ زیرا، پرهیز از تفاخر و تظاهر و نعل وارونه زدن، از ویژگی‌های سیاستمداران انگلیس است.<sup>۲۴</sup>

به هر حال، با انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ صفحه‌ای تاریک در تاریخ روابط خارجی ایران رقم خورد و امکان تنفسی که از رقابت دو کشور برای ایران پیش‌بینی می‌شد، بسیار محدود و دشوار شد. دو کشور روسیه و انگلستان نیز در آن شرایط با بهره‌برداری از ضعف روزافزون دولت مرکزی و سرسپردگی رجال کشور، به گونه‌ای بی‌سابقه و گسترده در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند و بی‌گمان این دخالت‌ها و تقسیم کردن‌ها، بدبینی و بی‌اعتمادی ایرانیان را به این کشورها، بویژه نسبت به انگلستان سخت افزایش می‌داد.<sup>۲۵</sup>

پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷، روس‌ها فقط به امتیاز ناشی از آن قانع نشدند، بلکه برای رهایی از شر مزاحمت بریتانیا در مناطق شمالی ایران، خواستند در همه شهرها و استان‌هایی که در منطقه تحت نفوذ اختصاصی آنها بود، حاکمیت سیاسی اعمال کنند. از سوی دیگر، روسیه که رژیم استبدادی داشت، به هیچ‌وجه حاضر نبود مشروطه و قانونی را در همسایگی خود تحمل کند؛ از این رو، روس‌ها از همان آغاز کار به مشروطه‌خواهی ایران به شکل «حادثه‌ای مزاحم» که بی‌رضایت آنها رخ داده بود، می‌نگریستند. آنان بر این عقیده بودند که این پدیده نوعی ترفند و حیلۀ ماهرانه برای از میان بردن نفوذ سنتی روسیه در ایران است که وزارت خارجه انگلستان آن را طرّاحی کرده و به دست مشروطه‌خواهان ایران به اجرا درآمده است. در نتیجه، نخستین کار غیرمستقیم آنان برای از میان برداشتن این «پدیده مزاحم»، یعنی حکومت مشروطه ایران، کشیدن نقشه کودتای ۱۹۰۸ بود که به دست محمدعلی شاه قاجار (عامل و طرفدار سیاست آنها در ایران) اجرا شد و رژیم مشروطه را برانداخت و استبداد صغیر<sup>۲۶</sup> را در ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی (۱۳۲۶ ه.ق) جانشین آن کرد.<sup>۲۷</sup>

پس از پیروزی مشروطه‌خواهان و استقرار مشروطیت دوم، روس‌ها ناگهان متوجه شدند که نقشه قدیمی آنها برای اعمال حاکمیت سیاسی در مناطق شمالی ایران، دوباره به خطر افتاده و برای بازگرداندن نفوذ و حیثیت روسیه در این منطقه اقداماتی قاطع‌تر و ملموس‌تر لازم است. درست در همان موقع که عمال حکومت تزاری در میان بهانه‌ای بودند تا مجلس را دوباره تعطیل کنند، پیشنهاد استخدام مستشاران مالی از آمریکا به ریاست مورگان شوستر مطرح شد و به رغم مخالفت باطنی روس‌ها به تصویب رسید. اقدام شوستر در مورد به تصویب رساندن قانونی برای تمرکز درآمد گمرکات، خشم و مخالفت سخت دولت روسیه را در پی داشت. از این رو، در ۱۱ نوامبر روس‌ها اولتیماتومی به دولت ایران دادند تا در ظرف ۴۸ ساعت همه اقدامات شوستر را متوقف کند و از دولت روسیه نیز معذرت بخواهد؛ در غیر آن صورت، روابط سیاسی دو کشور قطع می‌شد.<sup>۲۸</sup> آنها همچنین در آن شرایط به دولت ایران یادآور شدند که هزار سرباز روسی دیگر از مرز جلفا وارد آذربایجان شده‌اند و به سوی قزوین شروع به پیشروی کرده‌اند.<sup>۲۹</sup>

دولت ایران در برابر این اولتیماتوم به انگلستان متوسّل شد، از آن کشور یاری طلبید، ولی انگلیسی‌ها که در برابر اتحاد روسیه و آلمان محظور سیاسی داشتند و نمی‌خواستند در این پاره واکنش نشان دهند، خود را از این ماجرا کنار کشیدند. روس‌ها که گستاخ تر شده بودند، در ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ اولتیماتوم دیگری به ایران دادند مبنی بر اینکه شوستر باید در ظرف ۴۸ ساعت از ایران اخراج شود و دولت ایران متعهد گردد که از این پس بی‌موافقت روسیه و انگلستان مستشار خارجی استخدام نکند و نیز هزینه انتقال قشون روسیه به ایران را بعنوان غرامت بپردازد؛ به رغم مخالفت افکار عمومی با این اولتیماتوم، سرانجام دولت آن را پذیرفت و مجلس شورای ملی را منحل و مورگان شوستر را از ایران اخراج کرد.<sup>۳۰</sup>

پس از آن، ماجرای قیام تبریز و اعلام توفه الاسلام و دیگر آزادیخواهان محلی که با اعمال حاکمیت روس‌ها در آذربایجان مخالف بودند، پیش

● روس‌ها به امتیاز ناشی از قرارداد ۱۹۰۷ قانع نبودند؛ از این رو، برای رها شدن از شر مزاحمت بریتانیا در مناطق شمالی ایران، خواستند در همه شهرها و استان‌هایی که در منطقه زیر نفوذ آنها بود، حاکمیت سیاسی اعمال کنند. از سوی دیگر، روسیه که رژیم استبدادی داشت، به هیچ‌وجه حاضر نبود حکومتی مشروطه و قانونی را در همسایگی خود تحمل کند. در واقع، روس‌ها، از همان آغاز، به مشروطه‌خواهی ایران بعنوان «حادثه‌ای مزاحم» که بی‌رضایت آنها رخ داده بود، می‌نگریستند.

## قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس

در پایان جنگ جهانی اول، رقبای سنتی انگلستان، یعنی روسیه، آلمان و عثمانی (هر یک به گونه‌ای) مغلوب و از میدان جنگ خارج شده بودند؛ از این رو، انگلستان در آن هنگام فعال مابشاه در خاورمیانه بود، میدان رقابت با آن کشور خالی از حریف می‌نمود و چرخ سیاست در همه آن کشورها به میل و با اشاره لندن می‌چرخید. به این ترتیب، زمینه از هر حیث برای پیشبرد اغراض و مطامع سیاسی انگلستان در ایران هموار شده بود و دولتمردان انگلستان و در رأس آنها لرد کرزن<sup>۵۴</sup> در صدد برآمدند که با استفاده از خلأ ناشی از انقلاب شوروی، کشور خویش را حاکم بلامنازع ایران سازند.

با تمهید مقدمات و آماده ساختن زمینه‌ها، بهترین و بزرگترین فرصت برای اجرای نقشه استعماری انگلیس در تاریخ معاصر، یعنی تصرف غیر مستقیم ایران بر اساس استقرار نظام مستشاری، به دست آمد. بر پایه این نقشه، انگلیسی‌ها در صدد بودند بی آنکه خاک ایران را مستملکه خود کنند، حاکم بی‌رقیب ایران شوند.<sup>۵۵</sup> انگلیسی‌ها برای رسیدن به این هدف به فکر بستن قرارداد ۱۹۱۹ با دولت و توثق الدوله افتادند.

انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ از جمله مسائل نادر تاریخ سیاسی ایران است که همه طیف‌های سیاسی ایران (از هواداران قاجار گرفته تا هواداران پهلوی، محافظه کارها، لیبرال‌ها، دموکرات‌ها، مارکسیست-لنینیست‌ها و اسلامی‌ها) در آن همسخن هستند و معتقدند که این قرارداد دولت انگلیس برای تحت‌الحمایه ساختن ایران تمهید کرده بوده است. به نوشته دکتر کاتوزیان «این عقیده صرفاً زاده تئوری مشهور توطئه نیست، بلکه نتیجه این واقعیت است که کرزن، کاکس<sup>۵۶</sup> و توثق الدوله و دو همدستش، مذاکرات مربوط به قرارداد را با پنهانکاری کامل پیش بردند و انگلیس، برای روان کردن گسردونه امسور، پول‌هایی پرداخت.»<sup>۵۷</sup>

عاقدان قرارداد، با بی‌اعتنایی کامل به افکار عمومی ایرانیان و نیز حسدورزی و بدگمانی دیگر

آمد و قساوت فزاقان روسی در سرکوب این نهضت، جای پای آنان را بیش از پیش در تبریز و دیگر مناطق آذربایجان محکم ساخت. در مرحله بعد، روس‌ها کوشیدند محمدعلی شاه قاجار را که در شهر اودسای روسیه به سر می‌برد، به ایران برگردانند که ناکام ماندند.<sup>۵۱</sup> در پی آن، ماجرای به توپ بستن حرم مطهر حضرت رضاع (ع) پیش آمد و روس‌ها با شلیک گلوله‌های توپ به داخل حرم، صدها انسان بی‌گناه را که آن حرم را مأمن و پناهگاه خود یافته بودند، به قتل رساندند. این گونه فشارها و اقدامات روسیه سرانجام حکومت ایران را واداشت که خواستهای روسیه را در آذربایجان و نواحی شمال کشور بپذیرد. دولت انگلستان هم در منطقه زیر نفوذ خود در جنوب ایران نیرو پیاده کرد و آنجا را به اشغال درآورد و نیز به تقویت شرکت نویناد نفت ایران و انگلیس پرداخت.

با آغاز جنگ جهانی اول، ایران بیطرفی خود را در جنگ اعلام کرد، اما نیروهای بیگانه بی‌توجه به بیطرفی ایران، کشور ما را اشغال کردند، با شروع جنگ جهانی اول در دوازدهم مارس ۱۹۱۵ همچنین یک توافق سری در مورد قسطنطنیه و تقسیم خاک ایران میان دولت‌های روس و انگلیس انجام گرفت. بر پایه این توافق (مارس ۱۹۱۵) دولت انگلستان پذیرفت که روسیه، بندر قسطنطنیه (استانبول کنونی) و تنگه‌های بسفر و داردانل را پس از جنگ تصرف کند روسیه هم در مقابل رضایت داد که منطقه بی طرف ایران پس از جنگ رسماً به منطقه نفوذ بریتانیا ملحق شود. دولت انگلستان در عین حال آزادی عمل کامل روس‌ها را در منطقه نفوذشان تأیید کرد.<sup>۵۲</sup> انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه نقشه تقسیم ایران را از بین برد و همه عهدنامه‌ها و قول و قرارهای سری حکومت تزار که جنبه امپریالیستی و جهان‌گشایی داشت (از جمله قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ روسیه و انگلستان) ملغی و کان‌لم‌یکن اعلام شد.

به گفته دکتر شیخ‌الاسلامی «طناب‌داری که به گلوی حاکمیت ایران گره خورده بود و نزدیک بود کشیده شود، به یک گردش چرخ نیلوفری از هم گسست و کابوس تسلط روس‌ها بر قسمتی از نصف خاک ایران که به آستانه تحقق عینی رسیده بود، مانند غباری که در مقابل تندباد معدوم شود،

● در پایان جنگ جهانی اول، رقبای سنتی انگلستان، یعنی روسیه، آلمان و عثمانی مغلوب و از عرصه جنگ خارج شده بودند... به این ترتیب، زمینه از هر حیث برای پیشبرد اغراض و مطامع سیاسی انگلستان در ایران هموار شده بود و دولتمردان انگلستان و در رأس آنها لرد کرزن در صدد برآمدند با استفاده از خلأ ناشی از انقلاب شوروی، کشور خویش را حاکم بلامنازع ایران سازند.

دینی و ملی خویش را به بهترین وجه ادا نمودند؛ اما در میان مخالفان قرارداد، حق مرحوم مدرّس بر گردن ملت ایران از همه بیشتر است.

پس از تصویب قرارداد و اوجگیری مخالفت‌ها، نماینده سفارت انگلیس به دیدار مرحوم مدرّس رفت و در گفتگو با او، علت مخالفتش را با قرارداد که در ماده اول آن «استقلال و حاکمیت» ایران آشکارا تضمین شده بود، جویا شد. پاسخی که مدرّس به وی داد، بعدها در یکی از نطق‌های مشهورش در مجلس، به آگاهی نمایندگان مردم رسید. او گفت: «... هی می آمدند به من می گفتند این قرارداد کجایش بد است؟ کدام يك از موادش بد است؟ هر کجایش بد است، موردش را ذکر کنید تا برویم اصلاح بکنیم. من جواب می دادم: آقایان من رجل سیاسی نیستم. يك نفر آخوندم و از رموز سیاست سر در نمی آورم. اما آن چیزی که استنباط می کنم در این قرارداد بد است، همان ماده اولش می باشد که می گوید: ما [انگلیسی‌ها] استقلال ایران را به رسمیت می شناسیم. این مثل این است که یکی بیاید و به من بگوید: سید، من سیادت تو را به رسمیت می شناسم.»<sup>۶۳</sup>

در نتیجه این گونه مخالفت‌ها، قرارداد ۱۹۱۹ بعنوان یکی از توطئه‌های انگلیس در ایران، باشکست رو به روشد و به اجرا در نیامد.

دنباله دارد

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر از تعاریف توطئه نگاه کنید به:

The Encyclopedia Americana, International ed, (New York: Americana Corp, 1990), p.642; Daniel Pipes, *The Hidden Hand: Middle East Fear of Conspiracy* (New York: Martin's Press, 1998), p. 9; Charles Pigden, "Papper Revisited, or What is Wrong with conspiracy Theories", *Philosophy of the Social Sciences*, 1993, Vol. 25, No. 1, p. 4.

2. paranoid style
3. conspiracy thinking
4. conspiracy mentality
5. the hidden hand mentality

۶. برای نمونه نگاه کنید به:

قدرت‌های جهانی، از آن دفاع کردند، ولی با رنجیده خاطر شدن رهبران افکار عمومی ایران و دیگران قدرت‌های جهانی، بدگمانی به انگلستان بیشتر شد و این گونه توطئه‌های واقعی، تجزیه و تحلیل‌های توطئه‌باورانه را گسترش داد.

انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ نشأت گرفته از اجرای نظام مستشاری در مصر و براساس دکترین لرد گرنویل<sup>۵۸</sup> بود. در آن نظام، مستشاران انگلیسی بعنوان معاونان و زارتخانه‌ها، موظف بودند توصیه‌ها و رهنمودهای لازم را در اختیار مافوق خود قرار دهند؛ توصیه‌ها و دستورهایی که واجب‌الاطاعه بود و سرپیچی از آنها و اجرا نشدنشان پیامدهای شدید سیاسی، از جمله برکناری از مقام را داشت. خلاصه، به موجب قرارداد ۱۹۱۹ نظارت بر تشکیلات نظامی و مالی ایران منحصرأدر دست مستشاران انگلیسی قرار می گرفت و در مقابل، دولت انگلستان متعهد می شد که وامی به ایران بپردازد، خسارات وارده به ایران در زمان جنگ جهانی اول را جبران و در احداث راه آهن کمک کند و نیز در تعرفه‌های گمرکی تجدیدنظر نماید.<sup>۵۹</sup>

گفته می شود که انگلیسی‌ها برای تسهیل امضای قرارداد، مبلغ ۱۳۱ هزار لیره، معادل ۴۰۰ هزار تومان به سه وزیر عاقد قرارداد پرداخته‌اند: ۲۰۰ هزار تومان به وثوق الدوله، یکصد هزار تومان به نصرت الدوله و یکصد هزار تومان به صارم الدوله.<sup>۶۰</sup> حتی تضمین‌های رسمی از طرف دولت انگلیس به این افراد داده شد تا آنان را در برابر خطرهای احتمالی بیمه کند و زیر چتر حمایت دولت انگلیس قرار دهد.<sup>۶۱</sup> در این میان مبالغی هم به مدیران جراید، از جمله سیدضیاءالدین طباطبایی که با انتشار سلسله مقالاتی در روزنامه رعد از آن قرارداد حمایت می کرد، پرداخت شد.<sup>۶۲</sup>

انعقاد قرارداد ایران و انگلیس با واکنش‌های خارجی و داخلی رو به روشد و طوفانی از خشم و غضب در میان ایرانیان برانگیخت و سوءظن و بی‌اعتمادی آنان به انگلیسی‌ها را تشدید کرد. واکنش مردم ایران نسبت به قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس و دیگر مخالفت‌ها به صورت يك قیام تجلی یافت و بسیاری از رجال، روحانیون، روزنامه‌نگاران و سخنرانان در آن حرکت شرکت کردند و وظیفه

- ۱۳۲۶).
۲۸. تیموری، پیشین، صص ۳۳۷-۳۳۹.
۲۹. سرآرتور هاردینگ، خطاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ، ترجمه جواد شیخ الاسلامی (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰)، صص ۱۸۶-۱۸۹.
۳۰. ابراهیم خواجه نوری، بازیگران عصر طلایی، داور، تیمورتاش و... (تهران: انتشارات جیبی، ۱۳۵۷)، ص ۳۶.
۳۱. بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، جلد اول، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳)، صص ۲۵.
۳۲. ابراهیم صفایی، راهبران مشروطه، دوره اول و دوم (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲)، ص ۴.
۳۳. احسان نراقی، آزادی، حق و عدالت، گفتگوی اسماعیل خوبی و احسان نراقی (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶) ص ۲۰۴.
۳۴. رسول جعفریان، بست نشینی مشروطه خواهان در سفارت انگلیس (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸)، صص ۷۷-۸۸.
35. William Grant Duff
۳۶. همان، ص ۵۷. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: مهدوی، پیشین، صص ۳۱۷-۳۱۹.
۳۷. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴)، ص ۳۲۷.
۳۸. جواد شیخ الاسلامی، اسناد محرمانه وزلوت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس (تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۶۸)، ص ۸.
۳۹. مهدوی، پیشین، ص ۳۲۰.
۴۰. محمد ترکمان، «پیشینه ترور در تاریخ معاصر در گفتگو با محمد ترکمان»، روزنامه صبح امروز، شماره ۲۶ و ۲۷. برای اطلاع بیشتر از تجزیه و تحلیل های مربوط به قتل آتابک نگاه کنید به: جواد شیخ الاسلامی، قتل آتابک و شانزده مقاله تحقیقی دیگر (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۸)، صص ۳-۶۶.
۴۱. مهدوی، پیشین، صص ۳۲۱-۳۲۰.
۴۲. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجاریه (تهران: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲)، ص ۳۹۸. برای اطلاع بیشتر از موضع جراید نسبت به قرارداد ۱۹۰۷ رجوع کنید به: محمد ترکمان، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰)، صص ۵۲-۵۳.
۴۳. برای نمونه نگاه کنید به: محمود افشار یزدی، سیاست لروپا در ایران، ترجمه ضیاءالدین دهشیری (تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۵۸)، ص ۳۰۹؛ ابراهیم باستانی یازی، تلاش آزادی (تهران: انتشارات نوین، ۱۳۵۶)، صص ۱۰۸-۱۱۰.
- Marvin Zonis, Craig M. Joseph, "Conspiracy Thinking in the Middle East", *Palittical Psychology*, Vol. 15, No. 3, 1994. p. 444; Pipes, *The Hidden Hand...*, p. 10.
7. Richard Hofstadter, *The Paranoid Style in American Politics and Other Essays* (Cambrige, 1996), p. 4-14.
8. Zonis and Joseph *op. cit.*, pp.444-445.
9. Pipes, *op.cit.*, pp. 251-257.
10. *Ibid*, pp. 257-262.
۱۱. در این باره نگاه کنید به: گراهام فولر، قبله عالم، ترجمه عباس مخیر (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳)، ص ۲۵. همچنین رجوع کنید به:
- Ervand Abrahamian, *Khomeinism: Essays on the Islamic Repubic* (Berkeley: University of California Press, 1993), p. 112; Pipes, *op. cit.*, p.79.
12. The world's most conspiracy minded country.
۱۳. همان، صص ۱۰۲-۱۰۳.
۱۴. احمد اشرف، «توهم توطئه»، گفتگو، شماره ۸، تابستان ۱۳۷۴، صص ۳۸-۴۰.
۱۵. مهدی بازرگان، بازیابی لوزش ها (تهران: انتشارات نراقی، ۱۳۷۴)، صص ۹۸-۹۹.
16. Zonis & Jozeph, *op. cit.*, p.5.
۱۷. گراهام فولر، پیشین، صص ۲۳-۲۷.
18. Pipes, *op.cit.*, pp. 76-77.
19. The Treaty of Finkenstein.
۲۰. نگاه کنید به: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹)، صص ۲۱۰-۲۱۲.
21. Tilsit
۲۲. همان، ص ۲۱۴.
۲۳. جواد شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، مجموعه مقالات (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۹)، صص ۸-۹.
۲۴. مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)، خطاطرات و خطرات (تهران: زوار، ۱۳۴۴)، صص ۲۸۷-۲۸۸.
۲۵. نگاه کنید به: ایرج ذوقی، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت های بزرگ (تهران: پازنگ، ۱۳۶۸)، صص ۱۹-۲۰.
۲۶. برای اطلاع از جزئیات این وام نگاه کنید به: ابراهیم تیموری، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، چاپ چهارم (تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۳)، صص ۳۶۸-۳۷۰.
۲۷. نگاه کنید به: جهانگیر قائم مقامی، تاریخ تحولات سیاسی نظام ایران از آغاز قرن یازدهم تا سال ۱۳۰۱ هجری شمسی (تهران: انتشارات کتابخانه اعلی و شرکاء

۴۴. ترکمان، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران، صص ۶۵-۶۷.
۴۵. نگاه کنید به: ادوارد براون، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه مهری قزوینی (تهران: انتشارات کویر ۱۳۷۶)، ص ۱۷۱.
۴۶. دوران سیزده ماهه میان پیروزی قوای استبداد (در کودتای ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸) و سقوط محمدعلی شاه (در شانزده ژوئیه ۱۹۰۹) را اصطلاحاً دوره استبداد صغیر می نامند. این دوره با فتح تهران به دست مشروطه خواهان در سیزدهم ژوئیه ۱۹۰۹ و خلع محمدعلی شاه از سلطنت در شانزدهم همین ماه به پایان رسید.
۴۷. مهدوی، پیشین، صص ۳۳۳-۳۳۱ و جواد شیخ الاسلامی، سیمای احمدشاه قاجار، جلد اول (تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۸)، صص ۷۱-۷۲.
۴۸. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: سعید میرمحمد صادق، گزیده اسناد بولتیماتوم روسیه به ایران (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰).
۴۹. مهدوی، پیشین، ص ۳۴۰.
۵۰. همان، صص ۳۴۱-۳۴۰. برای اطلاع بیشتر از تجزیه و تحلیل واقعه اختراع شوستر رجوع شود به: کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران، صص ۹۹-۹۱.
۵۱. شیخ الاسلامی، سیمای احمدشاه قاجار، جلد اول، ص ۷۳.
۵۲. شیخ الاسلامی، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، ص ۹.
۵۳. شیخ الاسلامی، سیمای احمد شاه قاجار، جلد اول، ص ۱۰۳.
54. Lord Curzon
۵۵. نگاه کنید به: جواد شیخ الاسلامی، «نظری به کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال پنجم، شماره ۳-۵، بهمن و اسفند ۱۳۶۹، ص ۹.
56. Sir Percy Cox
۵۷. محمدعلی همایون کاتوزیان، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰)، ص ۳۱۶.
58. L.D. Granville
۵۹. مهدوی، پیشین، ص ۳۶۰.
۶۰. شیخ الاسلامی، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، صص ۲۲۲-۲۲۳.
۶۱. ایرج ذوقی، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت های بزرگ (تهران: بازنگ، ۱۳۶۸)، صص ۲۹۳-۲۹۲.
۶۲. در این باره نگاه کنید به: زاهد غفاری هسجین، سیدضیاءالدین طباطبایی و نقش او در تحولات سیاسی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، شهریور ۱۳۷۰، صص ۲۷-۴۲.
۶۳. شیخ الاسلامی، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، ص ۱۳. هر چند این اظهار نظر شهید مدرس ظاهراً مطابق با عرف دیپلماسی نیست، ولی نیات پلید و مقاصد شوم انگلیسی ها در این باره در قالب آیین نامه های اجرایی قرارداد عملاً درستی موضع شهید مدرس را نشان داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی